

چند نمونه از

سرودهای انقلابی

فلسطینی

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

فروردین ۱۳۵۳

## یادداشت :

سرود مجموعه ای است از شعر ، آهنگ ، موزیک و صدا ،  
که در این دفتر فقط شعر آن ها میتوانند ترجمه شوند  
و البته اگر به شعر فارسی برگردانده میشد بهتر بود .  
در عین حال همین ترجمه ، بوسیله یکی از رفقا — پای  
"گروه فلسطین" دکلمه شده و همراه با اصل عربی  
سرودها روی نوار کاست ضبط گردیده و بتعدادی کسه  
در امکانمان بوده پخش شده است . این قدم اول است ،  
قدمهای بعدی بهمت مشکل انسانهای درد مند ، کاملتر  
و غنی تر خواهد بود .  
در دنباله این دفتر ، مجموعه ای از اشعار ، سر  
و آهنگهای انقلابی اخیر ایران منتشر خواهد شد .

www.KetabFarsi.com

بہا سی رسال

( ۱ ) - ترانه "زهرة العداثن" گل شهرها

شمرو آهنگ : برادران رجبانی

خواننده : فیروز - خواننده لبنانی

( لاجلك يا مدينة الصلاة اصلى )

=====

بخاطر تو ، ای شهر نماز ، نماز میگذارم

بخاطر تو ، ای روشنائی منازل ، ای گل شهرها ،

ای قدس ، ای قدس ، ای قدس ، ای شهر نماز

نماز می گزارم

نگاه ما هر روز بسوی تو پر می‌کشد

در رواقهای معابد می‌گردد

کلیساهای کهن را در آغوش می‌گیرد

واندوه از مساجد میزداید

ای شب معراج

ای گذرگاه آنان که به آسمان رفتند

نگاه ما هر روز بسوی تو پر می‌کشد

ومن نماز می‌گذارم .

\*\*\*\*\*

آن کودک زاغه نشین و مادرش مریم

در چهره گریانند

میگرینند ، میگرینند

بخاطر آنها که آواره شدند

بخاطر کودکانی که خانه ندارند

بخاطر آنهایی که از وطن دفاع کردند

و در روز شهادت شهید شدند

صلح در سرزمین صلح بشهادت رسید

و عدالت بر دروازه ها بخاک افتاد .

آنگاه که شهر قدس سقوط کرد

عشق از زمین رخت پرست

و جنگ در دل جهان لانه گزید

آن کودک زاغه نشین و مادرش مریم

دو چهره گریانند

و من نماز میگذارم

\*\*\*\*\*

خشم ، خروشان میآید

خشم ، خروشان میآید

و من سرا پا ایمان دارم که

خشم ، خروشان میآید .

اندوه را زیر پا خواهم گذاشت

خشم ، خروشان از هر طرف میآید

چون سپاهی هول انگیز میآید

و چونان نور خدا همه گیر میآید

میآید میآید

دروازه شهر ما هرگز قفل نخواهد شد

و من به نماز میروم .

درها را خواهم کوبید

و آنها را خواهم گشود

و توای رود اردن

چهره مرا با آبهای مقدس خواهی شست

و توای رود اردن

آثار گامهای وحشیان را محو خواهی کرد

خشم ، خروشان میآید

خشم ، خروشان میآید

سکه زور در هم خواهد شکست

خانه مال ماست ، قدس از آن ماست

بدست خود روشنی را به قدس باز خواهیم گرداند

بدست ما صلح به قدس باز خواهد آمد

بدست ما صلح به قدس باز خواهد آمد

باز خواهد آمد

باز خواهد آمد

باز خواهد آمد

=====

۲- ترانه "بند قیسه" "تفننگ"

شعر: نزار قبانی - شاعر سوری

خواننده: ام کلثوم - خواننده مصری

(اصبح عندی آلان بند قیسه)

=====

من اکنون دیگر صاحب تفنگی هستم

مرا با خود به فلسطین ببرید

به سرزمین اندوهگینی که چونان سیعای مریم مجدلیه

است

به سرزمین گنبد های سبزگون و معراجگاه پیامبر

بیست سال است من از وطنم

و از هویتم جستجو میکنم

زیتونم را در آنجا میجویم

وطنم را می جویم

که در سیمهای خاردار امیر است

کودکیم را میجویم و همبازنهای محله ام را

کتابهایم را میجویم

عکسهایم را

و میگردم بدنبال هر کنجگاه گرم

و هر گلدان

مرا با خود به فلسطین ببرید  
یاران!

دوست دارم چونان مردان زندگی کنم

یا بهیچم

من اکنون دیگر صاحب تفنگی هستم

به آنان که از قضیه من جويا شوند

بگوئید ! بگوئید :

اکنون دیگر تفنگم قضیه نصبت

\*\*\*\*\*

من اکنون دیگر صاحب تفنگی هستم

من به انقلابیون پیوسته ام

از خار و خاک همتر میسازم

و مرگ را با آغوش باز میپذیرم

من با انقلابیونم

من از انقلابیونم

از آن زمان که تفنگم را بدوش گرفتم

فلسطین را به چند متری خود دیدم •

ای رزم آوران !

در قدس ، در جلیل ، در بیسان ، در اغوار ، در بیت لحم

در هر کجا که هستید

آزادگان !

به پیش !

بپیش !



بموی فلسطین تنها يك راه هست

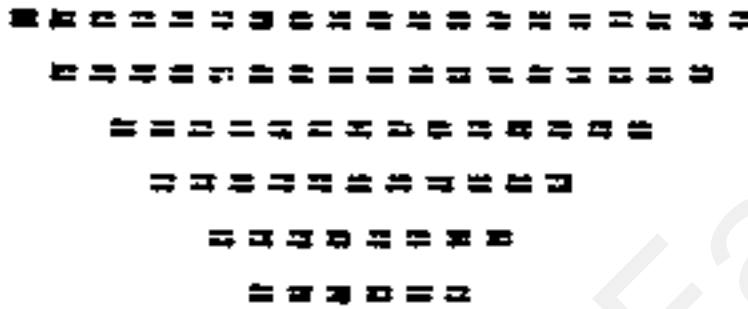
راهی که از لوله تفنگ میگذرد

بموی فلسطین تنها يك راه هست

راهی که از لوله تفنگ میگذرد

تنها يك راه هست ، تنها يك راه هست

• راهی که از لوله تفنگ میگذرد •



www.KetabFarsi.com

"دینی که بگردن توست"

از سرود های عاصفه

شعر و آهنگ و اجرای این سرود ها کار گروه هنری "فتح" است • همه سرود های عاصفه دسته جمعی خوانده شده است •

۳ - (انا یا اخی ... آمنت بالشعب المضیع والمکبل)

\*\*\*\*\*

برادر! برادر!

من به خلقی که حقش ضایع گشته و زنجیر افتاده

ایمان آورده ام

و مسلمم را بدو تن گرفتم

تا نسلهای آینده پس از ما داس بدست گیرند •

و خونم را در بیابانها و دره ها روان ساختم

خون ما دینی است که به گردن توست

و ادای دین را نباید به تاخیر

انداخت •



## ”پیکارم را توبه پایان بسر”

=====

من اگر برخاک افتم و سراسر تنم را شکوفه های خون و جراحت بپوشانم  
 و خون از من سرازیر گردد و مسلاحم در کنارم افتد  
 و پرندگان سرگردان بیابانها تکه تکه از بدنم بکنند  
 راه من در پیکار جز این نیست

پس برادر !

• پیکارم را توبه پایان بسر •

ای برادر !

• پیکارم را توبه پایان بسر •

=====

## "ای مسلسل قدیمی"

=====

ای مسلسل قدیمی که اولین گامها را با تو پیچودم

من و رفیقانم در دشوارترین راه همسپریم

راه پیروزی، راه ماست

و مسلسلها پیمان وفادارترین رفیقانمان

همه بازوان نیرومند یاران ما هستند

تفنگها را به بغل گرفته و گلوله هامان در پروازند

ما راهسپار دشوارترین راهیم

راه ما را سد کرده اند اما رفیق ! اما رفیق !

اینست راه ما و جز خون ما هیچ

آنرا سیراب نخواهند کرد .

این خاک را رفیق ! هیچ خیشی جز خیش ما شخم نخواهند کرد .

=====

=====

=====

=====

=====

(۱) " نه سازش ، نه تسلیم طلبی "

(لاصلح ، لااستسلام ، لا ، لا ، میلیون لا )

\*\*\*\*\*

نه سازش ، نه تسلیم طلبی ، نه ، نه ، يك میلیون بار نه )  
سوگند به طوفانی که خستگی شناسان بر پا میکنند  
سوگندی که خون ،

— خونی که از زخمها میجهد —

تکرارش میکند

سوگند ، سوگند ، سوگندی که چونان نعره طنین افکن است  
تادره های آسمان را بگوید

نه سازش ، نه تسلیم طلبی ، نه ، نه ، يك میلیون بار نه )  
از حنجره همه کسانی که عزت نفس دارند

از لوله تمام تفنگها

از دهانه همه مسلسلها

و از همه دهانها

از هر رگی که خونی در آن جریان دارد

و از دیدگان یتیمان

همه طنین افکن است :

نه سازش ، نه تسلیم طلبی ، نه ، نه ،

يك میلیون بار نه )

خلق ، هرگز سر تسلیم خم نمیکند

خلق ، هرگز دستانش بسته نیست  
خلق گام در راه پیروزی نهاده

و زندگی را به چنگ میآورد .

خلق چون طوفان میخورد :

نه ، نه ، نه سازش ، نه تسلیم طلبی ، نه ، نه ، نه يك ميليون بار نه

خلق من تنگ بدست گرفته و پراه بیکار گام نهاده است

حمامه کوههای اوراس همراه با کاروان این بامداد نوین دیگر بار باز

خواهد شد

با گلوله هامان

با شهیدانمان

با تنگهامان تکرار میکنیم :

نه ، نه سازش ، نه تسلیم طلبی ، نه ، نه ، نه ،

يك ميليون بار نه !



«وصیت یک شهید»

(اغس پراک فی دمی)

\*\*\*\*\*

قلمت را در خونم فرو بر

و از زبانم این وصیتها را بنویس !  
به لبانم خوب بنگر که با قاطعیت تمام

آرمانهای خلق را با صدای بلند تکرار

میکنند

من سرودها را زمزمه میکنم

این آرمان زخمهای من است که لبانم آنها را بیان میکنند

این نیایش من است •

بر قلعه زندگی

سرگذشت عزت نفس را بنویس !

خلق به پیکار ایمان آورده است

به خونی که بر خاک روان میگردد

قلمت را در خونم فرو بر !

قلمت را در خونم فرو بر !

و این وصیتها را از زبانم بنویس !

آی برادرانم !

آی خوشانم !

من وصیت خود را چنین نوشتم :

این رسالت نسل ماست

شما نشانه دیدن سپید - پیروز، - نپسند

شما علامت پایان شب سیاه - غائبند

من اگر شهید گشتم...

شما راه را بیابید هرگز :

شما تحملاً، نبند :

شما، سبب :





پد ر شهید

(الشیخ قال بلا دموع ۰۰۰)

\*\*\*\*\*

بیر مرد بی آنکه اشکی بر سر زد

بی آنکه در هیچ کجا ناله ای سر دهد

بدون هیچگونه شکستگی یا افسردگی

گفت :

غم مخورید |

غم مخورید که فرزندم شهید گردیده است

او با خون خویش راه بسوی جاودانگی گشود

و من خود را خوشبخت می بینم

من او را برای چنین روزی پرورده بودم

تمام عمرم به او غذا دادم

که صاحب بازوانی نیرومند گردد

از همان آبی او را سیراب کردم

که نیاکانم به من دادند

اینست راه عزت

که طولانی است

و تا دور دست کشیده است

و ما شرافتمندانه در آن راه سپرده ایم •

تعلی بدنیال نعلی دیگر خود را فدا میکنند

اگر پسر شهید شد

اینک

فرزند او ، وقتی بزرگ شد ، راه او را ادامه

خواهد داد .

بنام زندگی

غمگین باشید !

بنام زندگی

غمگین باشید !

صبحدم بزودی

از برق سرنیزه ها پر خواهد دمید

— سرنیزه هائیکه در دست هزاران جوان ،

در سراسر مهن برق میزنند —

از درون چشمهای اشکبار

و از اعماق دلهای با ایمان

سپیده خواهد دمید

پیروزی فرا خواهد رسید



## "در جشن پیروزی"

(فی عرس النصر)

=====

من در جشن پیروزی راه می‌سپرم

برای گرفتن انتقام ، من سوگند خورده‌ام که

• انتقام بگیرم

من در نابلس آزاد گانسم

من در خان یونس آزاده‌ام

وطنم کوه آتشی است

• که درگزدمی خاموشی نداشته‌ام

من آتش‌فشانم ،

من می‌لرم

من انقلابم

فدائی !

من از سرک نمیتروسم

مگر مرگ ، چند بار است ؟

با مسلسل ، بر خاک میهنم ، در جشن پیروزی

راه می‌سپرم

بخدا سوگند خورده‌ام که

از برابر دشمنانم روی برنتابم

فدائی !

من جز با آتش و گلواه با آنان سخن نمیگویم

یا پرچم را همچنان بدوش خواهم کشید

و پسا

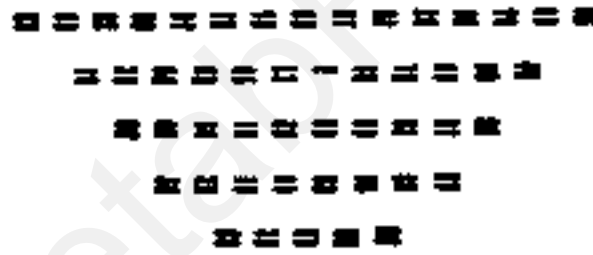
بر خاک توطنم جان خواهم داد .

در میهنم ، توده های خلق ، پرچمهای پیروزی و آزادی را

بر جسم من و بر تارک من

بر خواهند افراشت

در جشن پیروزی !



من مقاومت میکنم

(انا صامد)

=====

من مقاومت میکنم

مقاومت میکنم

من مقاومت میکنم

در سرزمین مهینم

من مقاومت میکنم

اگر ره توشه ام را بدزدند

مقاومت میکنم

اگر فرزندانم را بکشند

مقاومت میکنم

اگر خانه مرا ویران کنند

ای خانه در سایه دیوارت

مقاومت میکنم

با عزت نفسم

مقاومت میکنم

با چوب ، با هر وسیله ای که بچنگ آرم

مقاومت میکنم

پرچم را بدست دارم و

مقاومت میکنم

اگر دستم را قطع کنند

پرچم را بدست دیگر بگیرم و

مقاومت میکنم

در مزرعه و باغستانم

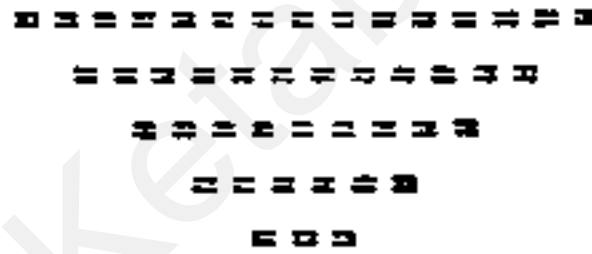
مقاومت میکنم

و اگر جسمم زخمهای فراوان بردارد

با زخمها و با خونم

مقاومت میکنم

من مقاومت میکنم



## صدای شهید

(انا ان سقطت علی التراب وغالنی ناب الردی)

=====

من اگر بر خاک افتم

و جنگالهای مرگ مرا در نماید -

و سرم

- که هرگز خم نگردیده -

در زیر خاک مدفون گردد

و اگر دشمنان بیکرم را لگد مال کنند

باز فریاد من در اعماق دلها

طنین انداز خواهد بود ،

و شما آنرا خواهید شنید

این صدای انتقام منست که در خون همه پاکبازان

چونان شعله روشن و جاویدان است

=====

=====

=====

=====

=====

=====

## ”راهپیمایی خلق ما”

(مسیره شعبنا)

\*\*\*\*\*

برادر !

من در میهن خودم اگر چه بالینم از خاک بود

خود را خوشبخت میدیدم

خاک میهنم را در آغوش کشیدم و بر آن بوسه های عاشقانه زدم

آیا آتشین قطرات خونم را می بینی که ...

چونان غبار در همه جا پراکنده است ؟

اینست سرگذشت خلق ما

و آن بامدادی که طلوعش همه جهانیان را خیره خواهد ساخت

\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*



## ”پیمان شهید“

(عهد الشهید)

=====

برادر )

من با سلاحم که آنرا چون جان در آغوش گرفته ام بر خاک افتادم  
 و خاک میهنم را با لبانم و با زخمهایم بوسه زدم  
 بوسه های آزادی که تشنه پیروزی است  
 پیروزی ای که تنها آفریننده اش تفنگ است  
 پس آغوشت را برویم بگشای ،  
 مرا در برگیر  
 و در راه پیکار ره بپیمار .

=====

## ”مادر شهید“

(جایوا الشہید ء جایو )

=====

شہید را آوردند

آوردند

داماد را آوردند

آوردند

پرچم انقلاب را در اهتزاز نگه دارید

وہ کہ مادرش چہ شادمان است •

XXXXXXXXXX

من مادرش هستم

وہ کہ مادرش چہ شادمان است

به به ازین جشن عروسی ، آنہم در شب شہادت او

من مادرش هستم

وہ کہ مادرش چہ شادمان است •

به به ازاین جشن عروسی ، آنہم در شب شہادت او

ای مردم آزاده ! . دخترش ! خواهرانش !

خون او در راه انقلاب ریخته شد

برادرش تفنگ او را بردار !

برادرش تفنگ او را برادر !

=====

## "ای فدائی"

(یفدائی خذنی لحارب) \*

\*\*\*\*\*

فدائی !

مرا با خود به جنگ ببر، آموزشم ده و به جنگم بر

ای وطن !

هر همه ما واجب است که خود را ، بزرگ و کوچک فدایت کنیم

\*\*\*\*\*

ای ملت عرب !

لازمه مردانگی اینست که -

تجاوزگر را به دره نابودی پرتاب کنی

هیچ چیز ، جز زور فایده ندارد

و این آتش را

تنها

آتش خاموش میکند

\* (تکرار بند اول) \*

مادام که منبها منفجر میشوند

نه تانکی میماند

و نه زره پوشی

من فریاد می‌کنم : **الله اکبر**

• و چونان رگبار بر آنان میبارم •

\* (تکرار بند اول) \*

به این اشغالگران که بناچار مویهن مرا ترك خواهد كرد  
به این اشغالگران که در وطن من جهانگردانی پیدا میکنند •  
بگوئید که

از این پس

روزشان را چو شب

• سبزه خواهیم کرد •

\* (تکرار بند اول) \*

خانه من

در قدس

نزد يك مسجد صخره است

بین کلیسای قیامت و معبد حضره

به محمد و مریم سوگند

که بسوی تو

ای خانه

• باز خواهیم کشت •

\* (تکرار بند اول) \*

\* صدای شلیک گلوله و انفجار قسمتی از موزیک این سرید را تشکیل میدهد و  
شعر به لهجه لبنانی است •

\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*

## "وحدت در خون"

(وحدنا الدم)

\*\*\*\*\*

ای کرامه ! خونمان را یکی کردیم ، خونمان را یکی کردیم

ای کرامه ! ما همه یکی شدیم ، ما همه یکی شدیم

در کوههای آتش ما فدائیان

در دره ها ما فدائیان

بر پیشانی میهن عربی خونمان را یکی کردیم

برای جنگ آزاد پیکش خلق خونمان را یکی کردیم

ای "الفتح" ای انقلاب ما ، تو پیروزی تو پیروزی

پیروزند دستانیکه تانك را منفجر میکنند

ای کرامه ! در میدان نبرد ، وحدت انقلابیون آفریده شد

ای کرامه ! ما دست در دست هم ، مشعل سرسختی و پافشاری هستیم

وحدت انقلابیون مشعل سرسختی و پافشاری است .

بر پیشانی میهن عربی خونمان را یکی کردیم

برای جنگ آزاد پیکش خلق خونمان را یکی کردیم

ای "الفتح" ای انقلاب ما تو پیروزی تو پیروزی

پیروزند دستانیکه تانك را منفجر میکنند پیروزند

\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*

"تفنگمان را آماده کردیم"

(عینا المدفع)

=====

ما تفنگمان را آماده کردیم آماده کردیم

ای فلسطین

قسم به خاک میهنمان

که ما باز میگردیم باز میگردیم

ما انقلاب خلق را شکوفاندیم

ما فدائیان تو بسویت

ای فلسطین

باز خواهیم گشت

من در گروه شماره سیصد م

و پنج فرزندم فدائینسند

ای وطن !

فرزند ان فرزند انم نیسز

در گروه جانبیارانند

ما تفنگمان را آماده کرده ایم

ما با خلق پیمان بستیم ، پیمان انقلابی بستیم

و براه افتادیم

این راه را بزرگ و کوچک

دست بر ماشه طی خواهیم کرد

ما تفنگمان را آماده کرده ایم

وسرودی نیز از انقلابیون قهرمان "ظفار"

\*\*\*\*\*

اگر دست نشاندگان استعمار جاده "ممر" را سد کنند  
و اگر بکشند که آب را بر ما ببندند

ارتش آزاد پیکش آنرا خواهد گشود

با خون خویش، همه تپه ها و سراسر صحنه های نبرد را

آبشاری خواهیم کرد •

خون ما، راه خویش را بسوی دره ها و قله ها خواهد شکافت

ما با زور و قهر، جان نوکران استعمار را از آنها خواهیم ستاند •

هر قدر بکشید که "خط سرخ" را باز کنید

نخواهید توانست

خلق آنجا است

درختان آنجا را ترك نخواهند کرد

و تفنگها در دست ارتش آزاد پیکش باقی خواهد ماند •

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

این مجموعه

به هنرمندانی که هنر خویش را چون تفنّن در

نبرد رهائی بخش خلق بکار میگیرند

به شهیدان

به زندانیان

به همه رزمندگان

راه رهائی خلق

و

"گروید مناوم و رزمنده فلسطین"

امدا میشود

www.KetabFarsi.com



فهرست

عنوان

شماره ترانه

یا سرود

صفحه

۱	گل شهرها	۱ -
۴	تفنگناک	۲ -
۷	دینی که به گردن نوست	۳ -
۸	بیکارم را تو پایان بسر	۴ -
۹	ای مسلسل قدیمیم	۵ -
۱۰	نه سازش ، نه تسلیم طلبی	۶ -
۱۲	وصیت یک شهید	۷ -
۱۴	پدر شهید	۸ -
۱۶	د رجشن پیروزی	۹ -
۱۸	من مقاومت میکنم	۱۰ -
۲۰	ندای شهید	۱۱ -
۲۱	راهپیمائی خلق ما	۱۲ -
۲۲	بیجان شهید	۱۳ -
۲۳	مادر شهید	۱۴ -
۲۴	ای فدائوسی	۱۵ -
۲۶	وحدت در خون	۱۶ -
۲۷	تفنگمان را آماده کردیم	۱۷ -
۲۸	سرودی از انقلابیون ظفار	۱۸ -

تکثیر و توزیع از :

پیام مجاهد

PAYAME MUJAHID

P.O. BOX 4485

SPRINGFIELD, MO 65804

U.S.A.

اردیبهشت ۵۳